

## بسم الله الرحمن الرحيم

### یادگیری قرآن در دوره‌های رشد<sup>۱</sup>

همانطور که در مقاله قبل بیان شد «رشد» را می‌توان خروج از ظلمات به نور در نظر گرفت که با پذیرش سرپرستی و ولایت الله محقق می‌شود.<sup>۲</sup> این معرفی از رشد به این معناست که اگر انسان به خداوند اعتماد کند و او را برطرف کننده نیاز خود بداند، سرپرستی او را می‌پذیرد و با کمال میل به دستورات او عمل می‌کند. در این صورت به تدریج از انواع تاریکی‌ها خارج می‌شود و روز به روز نورانی‌تر می‌گردد. خروج از ظلمات به نور یعنی خارج شدن از ندانستن به سوی دانایی، خارج شدن از نتوانستن به سوی توانایی، خارج شدن از افسردگی به سوی نشاط و از حال بد به سوی خوشحالی و خارج شدن از گناه و آلودگی به سوی طهارت و پاکی. به این ترتیب توان‌های درونی نهفته در وجود انسان با قرار گرفتن در محدوده دین خدا، روز به روز شکوفا شده، همه فضایل بالقوه انسان به تدریج به فعلیت می‌رسند و انسان به خداوند که کمال مطلق است نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود؛ و این حقیقت رشد است.<sup>۳</sup>

رشد مراتبی دارد که لازم است انسان در طول دوران زندگی به این مراتب دست پیدا کند و این امر با محوریت قرآن کریم محقق می‌شود. بر اساس «منظومه رشد قرآنی»<sup>۴</sup>؛ مرتبه اول رشد «طیب» نام دارد؛ اگر انسان در دوره اول زندگی خود به این سطح از رشد برسد، به واسطه بهره‌مندی از بستر و رزق طیب، نسبت به خود، دیگران و محیط اطراف باور مثبتی پیدا می‌کند و با کنترل بروزات و توان تکلم می‌تواند در سطح خود به خوبی با دیگران ارتباط برقرار نماید. اولین سطح از مواجهه با قرآن کریم در این دوره اتفاق می‌افتد. اولین سطح از خواندن قرآن شنیدن الفاظ آیات است، به گونه‌ای که باعث انس با آیات و سوره‌ها شود. این سطح از ارتباط با قرآن از زمانی که کودک در رحم مادر دوران جنینی را طی می‌کند کاربرد دارد. در دوره اول رشد که تقریباً هم‌زمان با سال‌های پیش از ورود به مدرسه است، تنها همین سطح از خواندن قرآن برای کودک مفید است. کودک در فضایی شاد و با نشاط آیات قرآن را از پدر و مادر خود می‌شنود و به آنها علاقمند شده و با آنها انس می‌گیرد؛ حتی به تدریج آیات را حفظ می‌شود و خودش آنها را می‌خواند. به این سطح از ارتباط «انس با قرآن» می‌گوییم که پایه ارتباط با قرآن در همه سطوح بعدی نیز هست. به دلیل سطح توانایی‌های ادراکی کودک، بیان مفاهیم سنگین آیات و سوره‌ها، باعث ایجاد اختلال در ارتباط گرفتن کودک با قرآن می‌شود. همچنین وادار کردن کودک به حفظ و حتی شنیدن قرآن، ممکن است منجر به ایجاد کراهت در او شده، مانع قرائت و رشد مبتنی بر آن گردد.

مرتبه دوم «خیر» نام دارد؛ اگر انسان در دوره دوم زندگی خود به این سطح از رشد یعنی «خیر» برسد می‌تواند بر اساس معیارهای الهی و با مشورت گرفتن از افراد متخصص، منافع حقیقی خود را بشناسد و در هر موقعیتی بیشترین نفع را انتخاب کرده و به آن دست پیدا کند؛ همچنین تفکر در او شکوفا می‌شود و می‌تواند به دیگران مشورت بدهد. در دوره دوم، یعنی حدود سال‌های دبستان، سطح ارتباط با قرآن می‌تواند بالاتر برود. در این سطح همچنان شنیدن و خواندن سوره‌ها محور دریافت رشد است؛ با این تفاوت که لازم است از هر سوره یک پیام هم به کودک منتقل شود. البته انتقال پیام تنها با شنیدن یک نکته اتفاق نمی‌افتد، بلکه کودک باید این پیام را تجربه کند و بر اساس آن تغییر یابد. نشانه این تغییر انجام کارهای غیر تقلیدی بر اساس باوری است که از پیام سوره در درون او شکل گرفته است. به این سطح از ارتباط با قرآن اصطلاحاً «فهم قرآن» می‌گوییم.

مرتبه سوم رشد «حُسن» نام دارد؛ اگر انسان در دوره سوم زندگی خود به این سطح از رشد برسد، خلاقیت در او شکوفا می‌شود و امور مختلف را با زیباترین جلوه انجام می‌دهد؛ از یک سو هر کاری را عاقلانه و بر اساس حکم الهی به سرانجام می‌رساند؛ و از سوی دیگر با دیگران به

<sup>۱</sup> رضا دژیبخش، مسئول مدرسه دانشجویی ترکیه و تعلیم در مدرسه دانشجویی قرآن و عترت(ع)؛ مریم خدادادی، مسئول کارگروه دبستان مدرسه دانشجویی قرآن و عترت(ع)

<sup>۲</sup> این مطلب را می‌توان با مطالعه آیات ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره مبارکه بقره مورد بررسی قرار داد.

<sup>۳</sup> رجوع کنید به «معناشناسی رشد»، احمد رضا اخوت، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم‌السلام

<sup>۴</sup> مجموعه‌ای بالغ بر سی عنوان کتاب از انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم‌السلام که معنای رشد، فرایند و مراتب رشد و دوره‌های رشدی انسان را بر اساس قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام تبیین می‌نمایند

نیکویی و با احسان رفتار می‌کند. دوره دبیرستان و نوجوانی را می‌توان هم‌زمان با دوره سوم رشد در نظر گرفت. در این دوره آگاهی فرد نسبت به نیازهایش بیشتر می‌شود و تنها به اموری توجه می‌کند که - به درست یا غلط - نسبت به آنها احساس نیاز داشته باشد. سطح قرائت قرآن در این دوره بالاتر می‌رود؛ به این صورت که ابتدا باید نیاز نوجوان نسبت به قرآن فعال شود؛ سپس با کمک معلم یک سوره را مورد مطالعه قرار می‌دهد، به معنی کلمات و ترجمه آیات و ارتباط مفاهیم آنها توجه می‌کند تا پاسخ خود را دریافت نماید و بر اساس آن عمل شایسته‌ای انجام دهد؛ به این ترتیب نیازش به واسطه سوره برآورده می‌گردد و قرآن و آیات شریف آن، تفکر را در نوجوان به بالندگی می‌رساند. این سطح از قرائت قرآن را «تفکر با قرآن» می‌نامیم.

مرتبۀ چهارم «ایمان» نام دارد؛ اگر انسان در دوره چهارم زندگی خود به این سطح از رشد برسد، با تکیه بر خداوند برای خود و دیگران امنیت ایجاد می‌کند، منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح می‌دهد و می‌تواند با افراد روابط سازنده برقرار کند. در دوره چهارم رشد، همه عناصر ادراکی و رفتاری در وجود انسان به شکوفایی می‌رسند تا او فهمیدن قرآن و عمل کردن به آن را اساسی‌ترین نیاز خود برای رسیدن به رشد و سعادت بداند. سطح قرائت در این دوره، «تدبر در قرآن» است؛ تدبر در قرآن به معنای درس گرفتن از آیات برای زندگی و بهره‌مند شدن از آیات است؛ یعنی خواندن قرآن برای فهمیدن و عمل کردن؛ یعنی برنامه‌ریزی کردن برای زندگی بر اساس آموزه‌های قرآنی که همراه با در نظر گرفتن عاقبت امور و نتیجه کارهاست. در دوره‌های بعدی، فرد می‌تواند به سطوح بالاتری از تدبر در قرآن که جنبه اجتماعی دارد برسد.

سطح اول قرائت یعنی انس با قرآن، از ابتدای زندگی و در تمام طول آن برای انسان مفید و لازم است. در دوره اول که امکان ارتباط با قرآن در سطح بالاتر برای فرد وجود ندارد، این سطح از قرآن خواندن، کودک را به همه رشد لازم می‌رساند؛ اما در دوره‌های بعدی که توان ارتباط با قرآن در سطوح بالاتر وجود دارد، اگر سطح قرائت بالاتر نرود، هر چند انسان به واسطه ارتباط انسی هم از قرآن بهره‌مند می‌شود، اما به همه رشدی که می‌تواند از قرآن دریافت کند نمی‌رسد. همین شرایط برای سطوح بعدی هم وجود دارد و انسان بالغ برای دریافت کامل رشد از قرآن، ناگزیر از تدبر در قرآن است.